

تاریخ امتحان : ۱۹ / ۱۰ /
ساعت شروع : ۸/۵ صبح
مدت امتحان : ۷۰ دقیقه

نام :
نام خانوادگی :
نام پدر :

سؤالات امتحان داخلی درس : فلسفه

نام دبیر : هانیه مهدوی مقطع و نام کلاس : یازدهم انسانی نوبت: دی ماه تعداد کل سؤالات: ۱۸ صفحه ۱

ردیف	سؤال	بارم نمره				
جاهای خالی را با عبارات مناسب پر کنید.						
۵	<p>۱. فیلسوفی مرکب از دو کلمه‌ی فیلو به معنای و سوفیا به معنای است.</p> <p>۲. از نظر ملاصدرا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها، فطرت نام دارد.</p> <p>۳. دانشمندان زمان سقراط خود را یعنی می خواندند.</p> <p>۴. تالس عقیده داشت اولین عنصر و پایه و اساس چیزهاست.</p> <p>۵. شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه به دلیل دو اندیشه‌ی اوست؛ اولی و دومی است.</p> <p>۶. از نظر سقراط دانای حقیقی است.</p>					
به سوالات زیر پاسخ تشریحی دهید.						
۷	تفکر فلسفی و تفکر غیر فلسفی را تعریف کنید.	۱				
۸	مکتب اصالت فرد و اصالت جامعه در علوم اجتماعی را تعریف کنید.	۲				
۹	چرا به فلسفه علم، فلسفه هنر، فلسفه اخلاق و... فلسفه‌های مضاف می‌گویند؟	۱				
۱۰	دو ویژگی از مهم‌ترین ویژگی‌های فیلسوف واقعی را بنویسید.	۱				
www.my-dars.ir						
		با عدد			با عدد	نمره ورقه
		با حروف	نمره با تجدید نظر		با حروف	
نام و نام خانوادگی دبیر : تاریخ و امضاء			نام و نام خانوادگی دبیر : تاریخ و امضاء			

ردیف	سؤال	صفحه ۲	بارم نمره
۱۱	هدف افلاطون از بیان تمثیل غار چیست؟ و در کدام کتاب خود آنرا مطرح می‌کند؟		۱/۵
۱۲	کوشش فیلسوفان برای دوری از مغالطه به چه هدفی صورت می‌گیرد؟		۱
۱۳	مهد تفکر فلسفی کجاست؟ چرا؟		۱/۵
۱۴	جامعه‌ی آتن در زمان سقراط متاثر از چه اندیشه‌هایی بود؟ و عقیده‌ی آن‌ها چه بود؟		۱
۱۵	روش سقراطی چگونه روشی بود؟		۱
۱۶	پیام سروش دلفی چه بود؟		۱
۱۷	عقیده‌ی گرگیاس را درباره‌ی شناخت و امکان معرفت بنویسید.		۱/۵
۱۸	آیا شناخت انسان به محسوسات محدود است؟ توضیح دهید.		۱/۵
	جمع نمرات		۲۰

راهنمای تصحیح

سئوالات امتحان داخلی درس: فلسفه

پایه: یازدهم

بارم نمره	پاسخ	ردیف
	<p>۱ دوستداری-دانایی</p> <p>۲ فطرت اول</p> <p>۳ سوفیست-دانشمند</p> <p>۴. آب</p> <p>۵ وحدت اضداد- تغییر و تحول دائمی جهان</p> <p>۶. خدا</p> <p>(ب)</p> <p>۷ - تا زمانی که انسان با همان سوال‌های معمولی و روزانه روبروست و به دنبال پاسخ آن‌هاست، در مرحله‌ی اول تفکر قرار دارد که می‌توان آن را تفکر غیرفلسفی نامید. اما اگر انسانی از این مرحله‌ی تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سوال‌های دسته‌ی دوم پرداخت، وارد مرتبه‌ی دوم تفکر شده که می‌توان آن را تفکر فلسفی نامید.</p> <p>۸ گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌دانند که کنار هم زندگی می‌کنند؛ این گروه طرفدار مکتب اصالت فرد هستند.</p> <p>دیگر فیلسوفان معتقدند که افراد یک جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و افکار و اندیشه‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است؛ این گروه پیرو مکتب اصالت جامعه هستند.</p> <p>۹. زیرا کلمه‌ی فلسفه به کلمه‌ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است؛ مانند فلسفه‌ی فیزیک</p> <p>۱۰ فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایه‌ی خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند. او درباره‌ی استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی ببرد، آن‌ها را می‌پذیرد.</p> <p>۱۱. او در این تمثیل می‌خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند. این تمثیل در کتاب جمهوری افلاطون آمده است.</p> <p>۱۲ - فیلسوفان می‌کوشند با کاستن از مغالطه‌ها، فهم درست‌تایز حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، بیان کنند</p> <p>۱۳ نخستین مجموعه‌ها یا قطعه‌هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه‌ی فلسفی در آن‌ها غلبه</p>	

داشته، از یونان باستان به یادگار مانده است، به همین جهت از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می‌کنند.

۱۴ - جامعه‌ی آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه‌های سوفسطائیان بود. آنان معتقد بودند که جهان را نمی‌توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می‌نامیم، تنها ساخته و پرداخته‌ی ذهن ماست و تطابقی با واقعیت‌ها ندارد.

۱۵- سقراط، روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، بر می‌گزید و درباره‌اش پرسش می‌کرد. مثلاً می‌پرسید: دوستی چیست؟ یا شجاعت چیست؟؛ وقتی کسی داوطلب پاسخ می‌شد، با توجه به پاسخ او، سوال دیگری طرح می‌کرد به طوری که مخاطب و پاسخ‌دهنده را به حقیقت می‌رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ‌دهنده به دست می‌آورد. این روش گفت‌وگو و پرسش‌وپاسخ به روش سقراطی شهرت یافت.

۱۶ - داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند. (هیچ‌کس داناتر از سقراط نیست)

۱۷ - اولاً چیزی وجود ندارد. ثانياً اگر هم چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد. ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.

۱۸ - خیر- گاهی به مسائلی فراتر از مسائل محسوس و پیرامونی فکر می‌کنیم؛ مثلاً درباره‌ی گذشته و آینده، یا درباره‌ی موجودات نامحسوس و جهانی غیر از جهان مادی می‌اندیشیم و برای خود نظر و باوری هم داریم.

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir